یادداشت

رضا غلامی

ابعاد اعمال سیاست استعماری از مسیر تحریم اقتصادی در ادوار تاریخ

تحریم، کودتا و جنگ؛ بسته همیشگی استعمار

تحریم اقتصادی به ابزار زیربنایی مؤثری برای اهداف استعماری تبدیل شده و یکی از ضروری‌ترین مؤلفه‌های سبد سیاست‌های استعماری قلمداد می‌شود. واقعیت این است گسترش تجارت و مراودات بین‌المللی به همان اندازه که رشد و توسعه اقتصادی را تحریک می‌کند، آسیب‌پذیری کشورها را نیز افزایش می‌دهد و دقیقاً به همین دلیل، گسترش تجارت و غرق شدن در شبکه‌های مالی بین‌المللی، اثرگذاری تحریم‌های مالی و تجاری بین‌المللی را تشدید می‌کند تا جایی که آن را به ابزاری برای اهداف استعماری تبدیل کرده است. حتی برای اثرگذاری بیشتر این ابزار، نه فقط کشورهای هدف؛ بلکه کشورهای ثالثی که بخواهند رابطه مالی یا تجاری با کشور هدف داشته باشند نیز مورد تحریم قرار می‌گیرند. مرور رویدادهای تاریخی در دنیا نیز مؤید آن است که استعمارگران همواره با تحریم‌های اقتصادی و مالی، اقتصاد کشور هدف را تضعیف کرده و سپس با ابزارهایی مانند کودتا یا بحران داخلی و در نهایت جنگ به هدف نهایی خود دست می‌یابند. در ایران نیز دست‌کم دو بار این مجموعه ابزارها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این یادداشت تلاش می‌کند ابعاد اعمال سیاست استعماری از مسیر تحریم اقتصادی را در این دو دوره بررسی کند.

الف- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ قانون ملی شدن صنعت نفت ایران به تصویب رسید و دست بریتانیا از منابع نفتی کوتاه شد. این اقدام خشم لندن را برانگیخت و با وجود پذیرش پرداخت هزینه‌های فسخ قرارداد از سوی ایران، انگلیس خواهان دریافت سودهای آتی نیز شد که دولت مصدق رد کرد. در پی این شکست، استعمارگران با حربه تحریم نفتی و اقتصادی، نرخ ارز را از ۳۰-۲۰ ریال به ۷۰ و حتی ۱۳۰ ریال رساندند؛ در حالی که مزد روزانه کارگر حدود ۲ ریال بود. فشار تورمی به حدی بود که مصدق در خرداد ۱۳۳۲ از آیزنهاور خواست یا برای نفت ایران مشتری بیابد یا کمک مالی دهد که با پاسخ منفی آمریکا مواجه شد. همزمان لندن که آمادگی جنگ را داشت، با هماهنگی دربار مسیر تشدید تحریم و آشوب داخلی را برگزید. در نهایت در ۲۸ مرداد با حدود ۶۰ هزار دلار (۸ میلیون ریال، معادل حقوق سالانه ۱۱ هزار کارگر روزمزد یا هزار درجه‌دار ارتش)، شبکه‌ای از ناراضیان، نظامیان و عوامل داخلی علیه دولت سازمان یافت. نتیجه این ترکیب تحریم و تحریک داخلی، سرنگونی دولت ملی مصدق بود.

ب- تحریم‌های فلج‌کننده از سال ۱۳۹۱ تاکنون

موفقیت اتحاد آمریکا و انگلستان در سقوط دولت مصدق، آن‌ها را امیدوار کرد که با ترکیب «تحریم اقتصادی، کودتا یا آشوب داخلی و جنگ» امکان ساقط کردن دولت و حکومت ایران وجود دارد. همین تصور سبب شد بار دیگر در اوایل دهه ۱۳۹۰، به بهانه سلاح هسته‌ای به سراغ ایران بیایند و در گام نخست شدیدترین تحریم‌های فلج‌کننده مالی و اقتصادی را در دستور کار قرار دهند.

در همین راستا، نه تنها تحریم‌هایی را که تا پیش از دهه ۹۰ اغلب محدود به بخش‌های کوچکی از نفت بود، به شدت گسترش داده و تشدید کردند؛ بلکه برای مؤثرتر کردن آن، از تحریم‌های ثانویه (تحریم کشورهای ثالث) و سایر امکانات خود مثل ترور و تهدید نظامی هم بهره بردند.

آمریکا و متحدانش امیدوار بودند پس از تضعیف اقتصاد ایران و فقیر شدن ایرانی‌ها، با تهدید نظامی و ترورهای پراکنده، فضا برای بحران داخلی (به جای کودتا که امکانش در ایران منتفی است) مهیا شود. در این راستا با وجود توافق برجام، دولت آمریکا بدون هیچ منطق مشخصی و طبق یک برنامه طراحی شده، یک‌طرفه از برجام خارج شد و سنگین‌ترین تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کرد تا جایی که اثر آن بیش از تحریم‌های کامل بین‌المللی برآورد می‌شود. در این طراحی، آمریکایی‌ها با تهدید شرکت‌های بزرگ بین‌المللی، آن‌ها را از مبادلات مالی و تجاری با ایران منع کردند و اروپا هم با شیادی تمام و ادعای اینکه آن‌ها شرکت‌های خصوصی هستند و دولت نمی‌تواند به آن‌ها دستور بدهد، عملاً نقشه آمریکا را تکمیل کردند. نتیجه همه این اقدام‌های خصمانه در کنار دیدگاه لیبرالی در مدیریت اقتصاد ایران که گاهی در زمان‌های مختلف تقویت می‌شد، افزایش ۱۰۰ برابری نرخ ارز در کمتر از دو دهه و تورم پایدار در سطوح بالا در هفت سال اخیر بوده است.

با افزایش نرخ ارز و تصور تضعیف اقتصاد ایران و افزایش فقر، استعمارگران وارد فاز دوم برنامه‌های خود یعنی آشوب داخلی و فشار نظامی برای از بین بردن توان دفاعی کشور شدند که کماکان ادامه دارد.

ج- نتیجه‌گیری

مرور دو واقعه تاریخی واقعی نشان می‌دهد غربی‌ها بسته «تحریم اقتصادی، کودتا یا بحران داخلی و جنگ» را همیشه در دستور کار دارند تا ملت‌ها را تسلیم خود کنند. نه فقط ایران؛ بلکه عراق و سوریه هم نمونه‌هایی هستند که این برنامه در دهه‌های اخیر در آن‌ها طراحی و اجرا شده؛ اما نکته این است طراحی‌های آن‌ها در مورد ایران با تدابیر اتخاذ شده برای مقاوم‌سازی اقتصاد و افزایش قدرت دفاعی و نظامی کشور، موفق نبوده است. با وجود این، آن‌ها ناامید نشده و دوباره توان خود را بسیج کردند تا به بهانه‌های واهی، انصراف از غنی‌سازی که به استناد قوانین بین‌المللی حق هر ملتی است، برنامه‌های خود را عملیاتی کنند. از این رو با جدیت بیشتری سراغ سبد استعماری خود که شامل تحریم اقتصادی و مالی، آشوب داخلی و تهدید نظامی است، خواهند رفت.

از آنجا که تحریم اقتصادی و فشار بر دولت‌ها و ملت‌ها، مهم‌ترین و مقدماتی‌ترین حربه تهاجمی استعمارگران علیه ملت‌های آزاده است و بدون موفقیت در آن، برنامه‌های بعدی آن‌ها نیز ناکام خواهد ماند، لازم است حاکمیت‌های آزادی‌خواه بر سیاست «تقویت اقتصاد و مقاوم‌سازی آن در مقابل تحریم‌ها» متمرکز شوند.

در ایران نیز با وجود تدابیر خوبی که از گذشته در قالب سیاست‌های کلی نظام و برخی قوانین مربوط تدوین شده، لازم است موضوعاتی مانند ممنوعیت صادرات مواد خام، تکمیل زنجیره‌های تولید، مدیریت بهینه اقتصاد برای جلوگیری از نشت‌ها و قاچاق، بهبود توزیع درآمد و مانند آن با جدیت بیشتری پیگیری شوند.

امکان‌سنجی پیشنهاد رئیس جمهور مبنی بر جایگزینی برق به جای گاز

چالش تغییر سوخت ملی

هیچ‌گاه در دنیا دو حامل انرژی ارزان‌قیمت (برق و گاز) را با هم وارد یک روستا و یا یک منزل مسکونی نکرده‌اند و به نوعی شبکه‌های انتقال و توزیع و همچنین تجهیزات و لوازم انرژی با میزان و مدل مصرف برق متناسب‌سازی‌شده‌اند

فرزانه زراعتی | چندی پیش رئیس‌جمهور در سفر به استان اردبیل ضمن اشاره به سیاست‌های دولت در حوزه انرژی گفت: نیت ما این است نیاز کشور را از گاز به برق منتقل کنیم و مصرف انرژی‌های پاک را گسترش دهیم.

به گفته پزشکیان، زمین کافی در اختیار داریم و می‌توانیم گرمایش و سرمایش را با برق تأمین کنیم. این روش نه‌تنها آلودگی زیست‌محیطی ندارد و هوای پاک ایجاد می‌کند؛ بلکه مقرون به‌صرفه‌تر نیز هست.

اینکه نیازهای کشور به انرژی را بر استفاده از یک انرژی متمرکز کنیم، امر جدیدی نیست و این اتفاق در بسیاری از کشورهای توسعه یافته رخ داده است. در این سال‌ها که کشور درگیر بحث ناترازی در بخش انرژی شده، هر از گاهی می‌شنویم کارشناسان و برخی مسئولان بر جایگزینی برق به جای گاز تأکید و علت آن را، هم در مسائل زیست‌محیطی و هم کاهش وابستگی به گاز توصیف می‌کنند؛ اما عملاً گامی مؤثر در این راستا برداشته نشد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ما در فصل‌های سرد سال روزانه حدود ۶۵۰ تا ۷۰۰ میلیون مترمکعب گاز مصرف می‌کنیم و این میزان بیش از سه برابر مصرف گاز در اتحادیه اروپاست. از جمله دلایلی که برای این میزان مصرف برمی‌شمارند، نبود مدیریت صحیح مصرف در بخش‌های مختلف خانگی، تجاری، کشاورزی و صنعتی، هدررفت بسیار بالا در شبکه‌های توزیع و انتقال و همین طور شبکه بسیار گسترده گازرسانی در کشور است.

کارشناسان حوزه انرژی می‌گویند بیش از ۹۰ درصد منازل مسکونی در ایران گاز طبیعی دارند و ما در زمینه گسترش شبکه گازرسانی رتبه نخست را داریم. این در حالی است که تنها ۱۰ کشور جهان شبکه خط لوله گازرسانی به طور متوسط ۳۰ درصدی به شهرها دارند که اتفاقاً ایران در مقایسه با این کشورها، زمستان سردتری ندارد و از نظر میزان سرما در زمستان شصت و نهمین کشور جهان است.

بررسی دیگر کشورها و به ویژه کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد آن‌ها هیچ‌گاه دو انرژی ارزان را با هم وارد یک منزل مسکونی نکرده‌اند و این دقیقاً اتفاقی است که در ایران رخ داده و ما، هم گاز و هم برق یارانه‌ای را با قیمت بسیار ارزان‌تر از سایر کشورها وارد دورترین روستاهای کشور کرده‌ایم که حتی ممکن است جمعیتی هم نداشته باشند. همین مسئله سبب شده در چند سال اخیر بر جایگزینی برق به جای گاز تأکید شود؛ اما پرسش مهم این است آیا امکان جایگزینی برق به جای گاز برای این تعداد مشترک وجود دارد و زیرساخت‌های کشور آمادگی لازم برای این تغییر انرژی را دارند؟

روی کاغذ امکان‌پذیر است

سعید مهذب ترابی، کارشناس حوزه انرژی در گفت‌وگو با خبرنگار قدس در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان تمامی نیازهای کشور را از طریق برق تأمین کرد، گفت: این مسئله در حرف و روی کاغذ امکان‌پذیر است. البته در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته دنیا این روش برای مصارف خانگی، تجاری و عمومی پیاده‌سازی شده به این شکل که گاز را تبدیل به برق کرده و در بحث سرمایش و گرمایش و سایر مصارف از آن استفاده می‌کنند.

به گفته وی؛ اما این روش نیازمند سرمایه‌گذاری عظیم و فراهم آوردن زیرساخت‌های فراوان است. در حال حاضر شبکه برق کشور پاسخگوی نیاز فعلی نیست و برای اینکه بتوان نیاز گاز را از طریق تأسیسات برق رفع کرد، باید سرمایه‌گذاری بسیار زیادی روی تأسیسات و شبکه‌های برق کشور انجام داد.

این کارشناس انرژی عملیاتی شدن این امکان در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت را بعید دانست و خاطرنشان کرد: چنانچه وضعیت انتقال انرژی در کشورهای اروپایی و آمریکایی را مورد بررسی قرار دهید، خواهید دید هیچ‌گاه دو حامل انرژی ارزان‌قیمت (برق و گاز) را با هم وارد یک روستا و یا یک منزل مسکونی نکرده‌اند و به نوعی شبکه‌های انتقال و توزیع و همچنین تجهیزات و لوازم انرژی با میزان و مدل مصرف برق متناسب‌سازی شده‌اند؛ اما در ایران دقیقاً برعکس این اتفاق رخ داده و هم برق و هم گاز با هم وارد محل‌های مصرف شده و همین مسئله هزینه‌های انتقال و توزیع انرژی را افزایش داده است.

باید گاز را به نیروگاه‌ها بدهیم و از آن برق تأمین کنیم

مهذب ترابی با بیان اینکه برای تأمین نیازهای سرمایش و گرمایش کشور از طریق برق باید گاز را به نیروگاه‌ها بدهیم و از آن برق تأمین کنیم، تصریح کرد: چنانچه این اتفاق رخ دهد، بی‌شک هزینه توزیع انرژی بسیار کاهش می‌یابد؛ اما باید بدانیم این روش نیازمند سرمایه‌گذاری کلان است که به نظر نمی‌رسد در حال حاضر توان اقتصاد انرژی کشور برای تحقق آن وجود داشته باشد.

وی تحقق این امکان را نیازمند سرمایه‌گذاری جدی روی شبکه‌های انتقال و توزیع و تولید برق و همچنین متناسب‌سازی لوازم بخش مصرف دانست و ابراز کرد: چنانچه ظرفیت تولید برق در کشور را معادل ۹۰ هزار مگاوات در نظر بگیریم و بر آن شویم که حتی ۳۰ درصد از گاز مورد نیاز کشور را از طریق برق تأمین کنیم، نیازمند سرمایه‌گذاری برای تولید همین میزان ظرفیت در همه فرایندهای منتهی به تولید، انتقال و توزیع برق هستیم. بنابراین باید سرمایه‌گذاری عظیمی صورت بگیرد. البته این سخن به معنای امکان‌پذیر نبودن تحقق این اتفاق نیست و به هر حال می‌توانیم از یک نقطه صفر آغاز کنیم.

پنل‌های خورشیدی؛ آری یا خیر؟

این کارشناس حوزه انرژی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به بحث پنل‌های خورشیدی اشاره کرد و در پاسخ به این پرسش که آیا نمی‌توان به جای سرمایه‌گذاری روی استفاده از گاز و تبدیل آن به برق از پنل‌های خورشیدی بهره برد، گفت: استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر یک ضرورت انکارناپذیر و الزامی است و باید کشور در این زمینه برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کند؛ اما محدودیت جدی که پنل‌های خورشیدی دارند، این است که امکان تولید برق ۲۴ ساعته را ندارند و چنانچه قرار باشد همراه ذخیره‌ساز انرژی باشند، هزینه‌ها افزایش می‌یابد و این امر در حال حاضر از عهده اقتصاد انرژی خارج است.

مهذب ترابی تأکید کرد: دوستانی که در خصوص پنل‌های خورشیدی و پنل‌های مجهز به باتری سخن می‌گویند، به طور جدی به میزان سرمایه‌گذاری در این زمینه توجه کنند و وعده‌ای ندهند که در نهایت امکان عملیاتی شدن را نداشته باشد.

آیا سال آینده هم خاموشی خواهیم داشت؟

وی در ادامه سخنان خود ضمن اشاره به وضعیت ناترازی انرژی در کشور اظهار کرد: هم‌اینک با ۲۰ تا ۲۵ هزار مگاوات ناترازی برق در کشور مواجه هستیم. اینکه بگوییم سال آینده ناترازی رفع خواهد شد، عملی نیست؛ چراکه رفع این ناترازی ۲۵ هزار مگاواتی نیازمند سرمایه‌گذاری بسیار است و ساخت تأسیسات مرتبط هم نیاز به زمان دارد که آن هم سه تا چهار سال زمان خواهد برد. بنابراین اگر از همین امروز برای افزایش تولید، سرمایه‌گذاری و در کنار آن مصرف را مدیریت کنیم و افزون بر آن‌ها وضعیت اقلیمی هم به کمک ما بیاید و سال آینده با گرمای کمتر و بارندگی بیشتری مواجه شویم، با کاهش ناترازی و کم شدن خاموشی روبه‌رو خواهیم شد و نه رفع خاموشی.

این کارشناس حوزه انرژی باور دارد یکی از مؤلفه‌های مهم در کاهش ناترازی، مدیریت مصرف است. ما نمی‌توانیم مدام در حال تولید باشیم و در مقابل فکری برای مدیریت مصرف نکنیم. البته مدیریت مصرف تنها به این معنا نیست که توپ را در زمین مردم بیندازیم و انتظار داشته باشیم فقط آن‌ها مصرف را مدیریت کنند. در حقیقت نیازمند اصلاح تکنولوژی و روش‌ها و منطقی کردن قیمت هستیم.

حسین میرافضلی، کارشناس انرژی چندی پیش اعلام کرده بود با حدود ۶۵۰ میلیون مترمکعب گازی که در فصل‌های سرد سال در منازل می‌سوزد، می‌توان ۳/۳ میلیون مگاوات ساعت برق در شبانه‌روز تولید کرد. در حال حاضر میزان تولید برق در ایران نزدیک به ۷۰ هزار مگاوات است.

قیمت جهانی هر کیلووات ساعت برق حدود ۱۰ سنت است. با ۶۵۰میلیون مترمکعب گاز در شبانه‌روز (۲۷میلیون مترمکعب در ساعت) می‌توان ۱۳۵میلیون کیلووات ساعت برق تولید کرد که با لحاظ ۱۰ سنت، ارزش ۱۳۵میلیون کیلووات معادل ۱۳/۵میلیون دلار در ساعت و ۱۰۰میلیارد دلار در سال است. ۳۰ میلیون مشترک برق خانگی در ایران وجود دارند که با لحاظ مصرف ۳ کیلووات ساعت برای هر مشترک، نیازمند ۹۰ گیگاوات برق هستیم.

به گفته وی با لحاظ سرانه ۱۰ هزار کیلووات برای هر ایرانی، باید ۱۰۶ هزار مگاوات ساعت برق در کشور تولید کنیم. بنابراین چنانچه در سه سال حدود ۷۰ درصد مردم تهران گاز را حذف و برق را جایگزین کنند، زیرساخت‌های موجود و در دست توسعه تهران و سایر شهرها پاسخگوی مصرف برق مورد نیاز شهر به منظور جایگزینی برق به جای گاز خواهد بود.

بحث جایگزینی برق به‌جای گاز، صرفاً یک انتخاب فناورانه نیست، بلکه تصمیمی زیرساختی با پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و حتی ژئوپلیتیکی است. موفقیت این تغییر، منوط به تأمین پایدار منابع تولید برق، سرمایه‌گذاری بزرگ در شبکه انتقال، به‌روزرسانی تجهیزات مصرف و همزمان مدیریت تقاضاست.

تجربه جهانی ثابت کرده که گذار انرژی، فرآیندی تدریجی است و همگرایی سیاست‌گذاری، بودجه و فرهنگ مصرف را می‌طلبد.

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی
مدرک موقت تحصیلی اینجانب اعظم السادات عافیت فرزند سید مرتضی با شماره ملی ۰۹۳۰۶۸۲۱۳۰ صادره از مشهد در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته دبیری زبان ادبیات فارسی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به نشانی: استان خراسان رضوی ،شهرستان مشهد، قاسم آباد - چهارراه استاد یوسفی - پردیس دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ،شهید سلیمانی ، اداره امور فارغ التحصیلان ارسال نماید.
۱۴۰۴۰۸۲۶۴

آگهی مفقودی
خانم فرانک افسر دارای کد ملی ۲۲۸۰۶۷۱۹۴۸ صادره از شیراز متولد ۱۳۶۹/۱۰/۱۳ فرزند فریدون اظهار دارد که دانشنامه پایان تحصیلات مقطع کارشناسی ارشد ایشان مفقود شده لذا به موجب این آگهی دانشنامه مذکور ابطال می‌شود مدرک فوق را از طریق پست به نشانی مشهد پردیس دانشگاه فردوسی مشهد مدیریت امور آموزشی اتاق ۲۰۴ ارسال و در صورت امکان تحویل نماید.
۱۴۰۴۰۶۶۶۱ ف

آگهی شروع تحویل چغندر
به اطلاّع میرساند تحویل چغندرقند در کارخانهٔ قند تربت حیدریه از ساعت ۹ روزشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ آغاز می شود .
ازپیمانکاران محترم چغندرکارتقاضا دارد با هماهنگی بخش کشاورزی کارخانه نسبت به حمل و تحویل به موقع چغندرقند خود اقدام نمایند .
۱۴۰۴۰۹۷۹۱ ف

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی
مدرک موقت پایان تحصیلات اینجانب عاطفه شورابی فرزند رمضانعلی با شماره ملی ۱۰۵۰۴۰۲۸۲۰ در مقطع کارشناسی رشته معماری صادره از دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور مفقود گردیده است و فاقد اعتبار میباشد.از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه ازاد اسلامی واحد نیشابور به نشانی: نیشابور-بلوار پژوهش-دانشگاه ازاد اسلامی واحد نیشابور-اداره امور دانش آموختگان ارسال نماید.
۱۴۰۴۰۸۲۶۰

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی
مدرک موقت تحصیلی اینجانب اعظم السادات عافیت فرزند سید مرتضی با شماره ملی ۰۹۳۰۶۸۲۱۳۰ صادره از مشهد در مقطع کاردانی ناپیوسته رشته دبیری زبان ادبیات فارسی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.
از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به نشانی: استان خراسان رضوی ،شهرستان مشهد، قاسم آباد - چهارراه استاد یوسفی - پردیس دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ،شهید سلیمانی ، اداره امور فارغ التحصیلان ارسال نماید.
۱۴۰۴۰۸۲۶۱

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی
دانشنامه پایان تحصیلات اینجانب الهام دانافر فرزند غلامحسین با شماره ملی ۰۰۶۳۰۱۶۵۹۱ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مدیریت بازرگانی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی نیشابور مفقود گردیده است و فاقد اعتبار میباشد.
از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه ازاد اسلامی واحد نیشابور به نشانی: نیشابور-بلوار پژوهش-دانشگاه ازاد اسلامی واحد نیشابور-اداره امور دانش آموختگان ارسال نماید.
۱۴۰۴۰۹۸۱۸

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی
. مدرک موقت تحصیلی اینجانب طاهره نداف فرزند برات علی با شماره ملی ۰۳۹۹۸۵۱۸۵۷ صادره از مشهد در مقطع کارشناسی پیوسته رشته آموزش ابتدایی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد.از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی مشهد به نشانی: استان خراسان رضوی ،شهرستان مشهد، قاسم آباد - چهارراه استاد یوسفی - پردیس دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد ،شهید سلیمانی ، اداره امور فارغ التحصیلان ارسال نماید.
۱۴۰۴۰۸۲۵۸

۳۷۰۸۸
پذیرش آگهی
روزنامه قدس